

دکتر وندی ال ویدر، دانیل، جلسه 13 دانیال ۹، توبه و وعده خدا برای احیا.

وندی ویدر و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر وندی ویدر هستم در حال تدریس در مورد کتاب دانیال. این جلسه ۱۳، دانیال فصل ۹، توبه و وعده خدا برای بازسازی است.

این سخنرانی در مورد دانیال ۹ است. من در سخنرانی بعدی نیز در مورد دانیال ۹ صحبت خواهم کرد.

این فصل فقط ۲۷ آیه دارد، اما با چهار آیه از بحث برانگیزترین آیات عهد عتیق به پایان می‌رسد. بنابراین این آیات را برای درس بعدی کنار می‌گذاریم و در این درس اول، در مورد بزرگترین بخش این فصل صحبت خواهیم کرد. این فصل در مورد توبه و وعده خداوند برای رستگاری است.

این همان چیزی است که باب ۹ در مورد آن است. این باب با سایر باب‌هایی که شامل رؤیاهای دانیال هستند متفاوت است. بنابراین، در رؤیاهای دانیال، او چهار رؤیا دارد؛ او نمادهایی از پادشاهی‌ها را می‌بیند.

در فصل‌های ۷ و ۸ رؤیاهای نمادین وجود دارد. در فصل ۹، این رؤیا واقعاً رؤیا نیست و بیشتر شبیه یک تجلی الهی است. او توسط فرشته‌ای به نام جبرئیل وحی دریافت کرده است.

همین امر در باب‌های ۱۰ تا ۱۲ نیز صادق است، اما در باب ۹، مکاشفه واقعی، یا آنچه معمولاً رؤیا نامیده می‌شود، تنها چهار یا پنج آیه دارد. خیلی کوتاه است. بنابراین، ما این مقدمه بزرگ، ۲۰ آیه‌ای برای مکاشفه واقعی داریم.

متأسفانه، بیشتر نوشته‌های انجام شده در مورد این فصل به چهار آیه آخر مربوط می‌شود. بخش اول بزرگترین بخش فصل، مورد بحث قرار گرفته است، اما به نوعی مقدمه‌ای است که خیلی سریع از آن عبور شده تا به آنچه مورد توجه مردم است، یعنی ۷۰ هفته، برسد. بنابراین، می‌خواهم به متن به طور منصفانه بپردازم و به طولانی‌ترین بخش آن زمان زیادی اختصاص دهم.

بنابراین، این سومین مورد از چهار تجربه رؤیایی دانیال است. بنابراین، همانطور که گفتم، این نمادین نیست. این بیشتر شبیه یک تجلی یا فقط یک وحی کلامی است که او دریافت می‌کند.

در زمینه رؤیاهایی که دانیال می‌بیند، این رؤیا همچنان تمرکز را محدود می‌کند. بنابراین، در فصل ۷، ما این تمرکز کیهانی را با کمی مقدمه در مورد ویرانی معبد، این ویرانی که قرار بود رخ دهد و ظلم و ستم تحت حکومت آنتیوخوس چهارم داریم. ما کمی از آن را در آنجا داشتیم.

در فصل ۸، ما واقعاً بر اورشلیم و معبد و تخریبی که در آنجا اتفاق می‌افتد تمرکز کردیم. در فصل ۹، ما قصد داریم بیشتر بر تخریب معبد تمرکز کنیم. وقتی به فصل‌های ۱۰ تا ۱۲ می‌رسیم، به تخریب معبد یا هتک حرمت معبد نگاه می‌کنیم، اما کاری که این رؤیا واقعاً انجام می‌دهد این است که پیشینه تاریخی را تکمیل می‌کند.

چه اتفاقی در صحنه جهانی در زمان وقوع همه آن وقایع و قبل از آن وقایع رخ داده است؟ بنابراین، روی هم رفته، رؤیاهای دانیال نگاهی اجمالی به زمانی در تاریخ یهود، زمانی در تاریخ اسرائیل که واقعاً وحشتناک بود یعنی قرن دوم پیش از میلاد تحت حکومت آنتیوخوس چهارم، به ما می‌دهد. بنابراین، این رؤیاها آن را برای ما به تصویر می‌کشد، اما همچنین الگویی از حاکمان شرور را که از خدا سرپیچی می‌کنند و به قوم او ظلم می‌کنند، به ما می‌دهد. و این الگو در نهایت در کتاب مکاشفه به اوج خود می‌رسد.

بنابراین، فصل ۹ به طور کاملاً خوبی، تقریباً به طور مساوی، خوب نه به طور مساوی، اما به طور کاملاً واضح به سه بخش تقسیم می‌شود. در آیات ۱ تا ۳، این را یادداشت نمی‌کنم. در آیات ۱ تا ۳، زمینه را می‌یابیم. بنابراین، دانیال زمان و مکان آنچه را که قرار است در ادامه فصل اتفاق بیفتد، مشخص می‌کند.

در آیات ۴ تا ۱۹، دعای دانیال را داریم. او دعای توبه‌ای ارائه می‌دهد، اعترافی طولانی که در آن به گناه قوم خود اعتراف می‌کند. او می‌گوید که آنها به یهوه گوش ندادند. آنها به انبیا گوش ندادند.

و سپس او از خدا التماس خواهد کرد، از یهوه التماس خواهد کرد که به التماس آنها گوش دهد و آنها را احیا کند. بنابراین بخش عمده این فصل همین است. و سپس، در آیات ۲۰ تا ۲۷، این مکاشفه را داریم.

بنابراین، ابتدا با شخصیتی که مکاشفه را انجام می‌دهد، یعنی جبرئیل، آشنا می‌شویم. و جبرئیل در واقع مکاشفه را از آیه ۲۲ تا آیه ۲۷ بیان می‌کند. بنابراین، در این سخنرانی، به زمینه این توبه و خود توبه خواهیم پرداخت.

ما وحی را برای سخنرانی بعدی نگه می‌داریم. بنابراین، آیات ۱ تا ۴، این بخش اول. در سال اول داریوش، پسر اخشورش، از نسل آمید، که بر قلمرو کلدانیان پادشاه شد، در سال اول سلطنتش، من، دانیال، در کتاب‌ها تعداد سال‌های لازم را که طبق کلام خداوند به ارمیا نبی، باید قبل از پایان ویرانی اورشلیم بگذرد، یعنی ۷۰ سال، دریافتیم.

سپس روی خود را به سوی خداوند خدا برگرداندم و با دعا و التماس برای رحمت، با روزه و پلاس و خاکستر، او را طلبیدم. به درگاه خداوند، خدای خود دعا کردم و اعتراف نمودم و گفتم: «ای خداوند، خدای بزرگ و مهیب، که به عهد و پیمان و محبت پایدار با کسانی که او را دوست دارند و از فرامین او پیروی می‌کنند، پایبندی. فکر می‌کنم کمی فراتر از آنچه لازم بود رفتم، اما آیه به آیه به آن خواهیم پرداخت.»

ما در دو آیه اول، ارجاع فضا-زمانی به رؤیای دانیال یا تجلی او که قرار است در پایان داشته باشد را می‌بینیم. دو رؤیای قبلی در زمان سلطنت بلشصر رخ داده بودند. اکنون در سال اول داریوش هستیم.

خب، ما قبلاً با داریوش مواجه شده‌ایم. او اولین بار در پایان فصل ۵ ظاهر می‌شود، زمانی که بلشصر کشته می‌شود و پادشاهی‌اش به داریوش می‌رسد. در فصل ۶، داریوش پادشاه است، زمانی که دانیال به چاه شیر می‌رود و سپس تا این فصل ناپدید می‌شود.

بنابراین، از نظر ترتیب زمانی، تقریباً به انتهای ترتیب زمانی کتاب برگشته‌ایم. بنابراین، در سال اول داریوش، اکنون این جزئیات را در مورد داریوش دریافت می‌کنیم. به ما گفته شده است که او پسر اخشورش است، یا برخی نسخه‌ها می‌گویند پسر خشایارشا.

او از تبار مادها است و بر پادشاهی کلدانیان پادشاه شد. نمی‌توانم از تعجب کردن در مورد اینکه چرا این همه اطلاعات دریافت می‌کنیم، دست بردارم. پیش از این، درست در سال سوم سلطنت بلشصر بود.

این تمام چیزی است که به دست می‌آوریم. اما در اینجا این اطلاعات تبارشناسی را دریافت می‌کنیم. چرا راوی اهمیت می‌دهد که این همه اطلاعات در مورد داریوش به ما بدهد؟ ممکن است کمی انتظار داشته باشیم، مثلاً شاید داریوش مادی.

فقط جهت یادآوری، ما این شخص را چند فصل است که ندیده‌ایم، اما او همان کسی است که آنجا ملاقات کردیم. بنابراین، من انتظار چنین چیزی را داشتم. اما چرا فقط داریوش پادشاه یا داریوش پادشاه ماد نیست؟ چرا این همه اطلاعات دیگر؟ چند دلیل ممکن وجود دارد.

بنابراین، ربط دادن داریوش به خشایارشا یا خشایارشا می‌تواند اشاره‌ای به تاریخ پارسی او باشد. خشایارشا به نامی رایج در سلسله‌های پارسی تبدیل شد و داریوش به پارس مرتبط بود. بنابراین، اگر داریوش همان کوروش باشد، که نظر من همین است، او هم تبار مادی و هم پارسی دارد.

مادرش مادی و پدرش پارسی بود. بنابراین، این یادآوری می‌کند که این پادشاه از خاندان پارسی است. اما به ما گفته شده که او از تبار مادها نیز بوده است.

بنابراین، این به ما یادآوری می‌کند که او مادی و پارسی است. مادرش از خانواده سلطنتی بود، بنابراین سلطنت او همچنان ادامه دارد. او بر کلدانی‌ها پادشاه شده است.

این منفعلانه است. چرا که نه؟ او پادشاه بود. می‌تواند این مضمون تکرار شده در کتاب دانیال باشد که یک دست نامرئی پشت همه این وقایع تاریخی وجود دارد.

دست خدا در همه اینها در حال حرکت و فعال است. بنابراین، خدا کسی است که پشت پادشاهی داریوش قرار دارد. او پادشاه شد.

چرا فقط نمی‌گوییم که او بر بابل پادشاه شد؟ فقط می‌گوییم که او پادشاه شد. چرا بر پادشاهی کلدانیان؟ باز هم، من مطمئن نیستم، اما این اطلاعات اضافی است. و من تعجب می‌کنم که آیا این بخشی از کتاب دانیال نیست که ظهور و سقوط پادشاهی‌ها را نشان می‌دهد.

داریوش پادشاه شد. پادشاهی کده از بین رفته است. اکنون ما در حال ورود به پادشاهی بعدی هستیم.

این فقط یادآوری این نکته است که دست خدا در تاریخ، پشت ظهور و سقوط پادشاهان و پادشاهی‌ها در کار است. و چرا می‌خواهیم به خواننده یادآوری کنیم که او مادی و پارسی است؟ خوب، دوباره به یاد داشته باشید، طبق گفته‌های پیامبران اشعیا و ارمیا، بابل به دست یک پادشاه مادی و یک پادشاه پارسی سقوط خواهد کرد. بنابراین، نویسنده دانیال دوباره تحقق آن پیشگویی را نشان می‌دهد.

در سال اول سلطنت او، این در واقع دو بار اینجا گفته شده است. بنابراین، در سال اول سلطنت داریوش ما این اطلاعات شجره‌نامه را دریافت می‌کنیم، و سپس دوباره می‌گویید در سال اول سلطنت او. این می‌تواند فقط تکرار شود زیرا ممکن است ما بعد از آن همه اطلاعات شجره‌نامه فراموش کرده باشیم.

ضمناً، در سال اول سلطنت او، این می‌تواند فقط اهمیت آن دوره زمانی را برجسته کند. اگر داریوش همان کوروش است، پس ما در سال اول سلطنت او کجا هستیم؟ ما در سال ۵۳۹ قبل از میلاد هستیم. خوب. اهمیت سال ۵۳۹ قبل از میلاد چیست؟ بابل سقوط می‌کند.

ماد و پارس به اوج خود می‌رسند. در نهایت، این آغاز بازگشت یهودیان بود زیرا کوروش فرمان خود را مبنی بر بازگشت آنها به سرزمین مادری‌شان صادر کرد. سال ۵۳۹ پایان رسمی دوره تبعید اجباری است.

بنابراین، به این فکر کنید که دانیال از نظر زمانی در چه موقعیتی قرار دارد. تبعید اجباری تمام شده است، یا تقریباً تمام شده است، و این برای دانیال به معنای احیای باشکوه در پیش است. این زمان اوست

حالا، بیایید به مکان او نگاه کنیم. او مکان جغرافیایی را به ما نمی‌گوید، اما به ما می‌گوید که چه می‌کند و کجا است. او کجاست؟ او در حال خواندن طومارها یا کتاب‌هایش است.

ما دقیقاً مطمئن نیستیم که در آن زمان چه شکلی داشته است، غیر از اینکه یک طومار بوده است، اما نمی‌دانم چه مقدار از کتاب ارمیا بوده است. اما او در حال خواندن ارمیا است. و او به طور خاص تعداد سال‌های لازم برای پایان ویرانی اورشلیم را از ارمیا می‌خواند یا می‌فهمد.

خب، دو جا در کتاب ارمیا وجود دارد که این موضوع به طور خاص مطرح می‌شود، زیرا دانیال در آنجا می‌گوید ۷۰ سال. بنابراین، او در کتاب ارمیا در مورد پایان ویرانی اورشلیم پس از ۷۰ سال می‌خواند. این دو جایی است که دانیال می‌توانسته در کتاب ارمیا ۲۵ بخواند، جایی که ارمیا به ما پیشگویی می‌کند.

این قبل از تبعید است. او پیشگویی می‌کند که یهودا به وسیله نبوکدنصر مجازات خواهد شد. خدا از نبوکدنصر به عنوان وسیله‌ای برای نابودی سرزمین آنها، مجازات آنها و به اسارت بردنشان به مدت ۷۰ سال استفاده خواهد کرد.

و سپس، پس از ۷۰ سال، خدا قصد داشت بابل را مجازات کند. بنابراین، ۷۰ سال ما، بابل مجازات خواهد شد. این ارمیا ۲۵ است.

در ارمیا ۲۹، ارمیا نامه‌ای به یهودیانی که در تبعید هستند می‌نویسد. بنابراین، ارمیا یک پیامبر تبعیدی است، اما در تبعید نیست. او به سرزمین فلسطین و سپس به مصر بازگشت، اما در بابل نیست.

اما او برایشان نامه‌ای می‌فرستد. او نامه‌ای به جامعه‌ی آنجا می‌فرستد و به آنها می‌گوید که بهتر است در آنجا ساکن شوند، خانه بسازند و خانواده تشکیل دهند. شما قرار است ۷۰ سال آنجا باشید و سپس خدا مردم را به حال خود باز خواهد گرداند.

خب، دانیال در کجای زمان قرار دارد؟ ۵۳۹ قبل از میلاد، اولین سال داریوش، در آستانه‌ی بازسازی. او در کجای زمان قرار دارد؟ خب، او در حال تأمل در مورد پیشگویی‌های ارمیا است که نابودی و ویرانی ۷۰ سال طول خواهد کشید. خب، دانیال آدم باهوشی است.

او می‌تواند زمان را تشخیص دهد، درست است؟ او می‌داند ساعت چند است. بابل توسط یک پادشاه ماد-پارسی مجازات شده است، اما هنوز بازسازی نشده است. این بازسازی باشکوه کجاست؟ خب، به مردم هم گفته شده بود که باید توبه کنند.

دعای تقدیم معبد سلیمان را در کتاب اول پادشاهان به یاد بیاورید. او دعا می‌کند و می‌بیند که در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد. او احتمالاً قلب خودش را می‌شناخت و می‌دانست که در مقطعی قوم خدا بی‌وفا خواهند شد و به تبعید خواهند رفت. او دعا کرد که خدا صدای قومش را بشنود، وقتی از تبعید به گناه خود اعتراف می‌کنند و به دنبال روی او هستند، و خدا آنها را بازگرداند.

آنچه در ادامه‌ی دانیال ۹ می‌آید، اعتراف است. بنابراین، به نظر می‌رسد دانیال فکر می‌کند که ما به احیا نیاز داریم، اما باید اعتراف کنیم. ما در جایگاهی که باید نزد خدا باشیم، نیستیم.

بنابراین، او دعا می‌کند، اعتراف می‌کند، و روی خود را به سوی خداوند برمی‌گرداند و با دعا او را می‌جوید. او پلاس و خاکستر می‌پوشد. او در اعتراف کردن جدی است.

او قرار است به این دعوت برای اعتراف، با اطاعت پاسخ دهد. این پایان بخش اول است. بخش دوم با دعای واقعی او در آیه ۴ آغاز می‌شود و تا آیه ۱۹ ادامه دارد.

من نزد خداوند، خدای خود دعا کردم و اعتراف نمودم و گفتم: «ای خداوند، ای خدای بزرگ و مهیب، که به عهد و پیمان و محبت پایدار خود با کسانی که تو را دوست دارند و از فرامین تو پیروی می‌کنند، پایبندی ما گناه کرده‌ایم، مرتکب گناه شده‌ایم، شرارت ورزیده‌ایم، سرکشی کرده‌ایم و از فرامین و احکام تو روی گردانده‌ایم. ما به بندگان، انبیا، که به نام تو با پادشاهان، بزرگان، پدران و همه مردم سرزمین سخن گفتند، گوش نداده‌ایم.»

ای خداوند، عدالت از آن توست، اما رسوایی آشکار از آن ماست. چنانکه امروز، مردان یهودا، ساکنان اورشلیم، تمام اسرائیل، چه نزدیک و چه دور، در تمام سرزمین‌هایی که ایشان را به سبب خیانتی که به تو ورزیده‌اند، به آنجا رانده‌ای، رسوایی آشکار از آن ماست، ای خداوند.

به پادشاهان ما، به سروران ما، به پدران ما، زیرا ما به تو گناه کرده‌ایم. ای خداوند، خدای ما، رحمت و بخشش از آن توست، زیرا ما بر او عصیان ورزیده‌ایم و با پیروی از قوانین خداوند، خدای خود که توسط بندگان، انبیا، پیش روی ما قرار داده است، از او اطاعت نکرده‌ایم. تمام اسرائیل از قانون تو سرپیچی کرده‌اند و روگردان شده‌اند و از اطاعت از صدای تو سر باز زده‌اند.

و لعنت و سوگندی که در شریعت موسی، بنده خدا، نوشته شده است، بر ما نازل شده است، زیرا ما به او گناه کرده‌ایم. او سخنان خود را که علیه ما و علیه حاکمان ما که بر ما حکومت می‌کردند گفته بود، با آوردن مصیبتی عظیم بر ما، تأیید کرده است. زیرا زیر تمام آسمان، چیزی مانند آنچه در اورشلیم انجام شده است، رخ نداده است.

همانطور که در تورات موسی آمده است، تمام این بلا بر ما نازل شده است، اما ما از خداوند، خدای خود، درخواست لطف نکرده‌ایم، از گناهان خود بازگشت نکرده‌ایم و به راستی تو بصیرت نیافته‌ایم. بنابراین خداوند بلا را آماده نگه داشته و آن را بر ما نازل کرده است. زیرا خداوند، خدای ما، در تمام کارهایی که انجام داده است، عادل است، و ما به صدای او گوش نداده‌ایم.

و اکنون، ای خداوند، خدای ما، که قوم خود را با دست توانا از سرزمین مصر بیرون آوردی و برای خود نامی ساختی، چنانکه امروز گناه کرده‌ایم، شرارت ورزیده‌ایم. ای خداوند، بر اساس تمام اعمال صالح خود، خشم و غضب خود را از شهر خود، اورشلیم، کوه مقدس خود، دور کن، زیرا به سبب گناهان ما و گناهان پدران ما، اورشلیم و قوم تو در میان همه کسانی که اطراف ما هستند، زیانزد شده‌اند. پس اکنون، ای خدای ما، به دعای بندهات و به التماس‌های او برای رحمت گوش فرا ده.

و به خاطر خودت، ای خداوند، روی خود را بر معبد خود که ویران شده است، روشن کن. ای خدای من، گوش خود را فرا گیر و بشنو، چشمانت را باز کن و ویرانی‌های ما و شهری را که به نام تو نامیده می‌شود، ببین. ما به خاطر پارسایی خود، بلکه به خاطر رحمت عظیم تو، به درگاه تو التماس نمی‌کنیم.

ای خداوند، بشنو. ای خداوند، ببخش. ای خداوند، توجه کن و عمل کن.

ای خدای من، به خاطر خودت تأخیر مکن، زیرا شهر و قوم تو به نام تو نامیده می‌شوند.» این اعترافی بسیار جالب است.

در این اعتراف، تکرارهای زیادی وجود دارد، مضامین زیادی فراگیر هستند. به نظر من، بهترین راه برای نزدیک شدن به این موضوع، فکر کردن به آن از این منظر است که یک اعتراف وجود دارد که در آن دانیال همه چیز را اعتراف می‌کند، و سپس یک التماس وجود دارد که در آن درخواست خود را مطرح می‌کند.

بنابراین، در آیات ۴ تا ۱۴ اعترافی داریم. و سپس در آیات ۱۷ تا ۱۹ التماسی داریم، درخواستی از او. و سپس در آیات ۱۵ و ۱۶، بین این دو، چیزی داریم که من آن را یک پل می‌نامم.

این نوعی مرور چیزی است که دانیال به تازگی اعتراف کرده است، و پیش‌نمایشی از آنچه در پیش است. این دو چیز را به هم مرتبط می‌کند. او اعتراف می‌کند، التماس می‌کند، واقعاً التماس می‌کند، و این مضامین به هم مرتبط هستند.

هر دوی این مؤلفه‌های کلیدی حول محور گوش دادن می‌چرخند. کلمه‌ای وجود دارد که چندین بار تکرار می‌شود. اگر این متن را به زبان عبری بخوانید، کلمه‌ای وجود دارد که بارها و بارها تکرار می‌شود. این کلمه کمی متفاوت ترجمه شده است تا تفاوت‌های ظریف آن مشخص شود.

اما کلمه عبری شما به معنای شنیدن یا گوش دادن است و به طور گسترده، به معنای اطاعت کردن نیز می‌باشد. همه اینها در کلمه گوش دادن یا شنیدن شما خلاصه می‌شوند. دانیال در اعتراف خود بارها خواهد گفت که ما گوش ندادیم.

ما اطاعت نکردیم. ما گوش ندادیم. ما گوش ندادیم.

او این را بارها و بارها تکرار می‌کند. و وقتی به التماس می‌رسی، می‌گویی، چون ما گوش ندادیم، به شدت به تو نیاز داریم که گوش کنی. ما به تو نیاز داریم که حرف ما را بشنوی.

ما اطاعت نکردیم. ما به شدت به شنیدن حرف‌های شما نیاز داریم. بنابراین، این کلمه فقط کل این دعا را در بر می‌گیرد.

گوش کنید. لطفاً گوش دهید. ابتدا اعتراف، آیات ۴ تا ۱۴.

و شما می‌توانید اعتراف را با این جمله خلاصه کنید، ما گوش ندادیم. دانیال مدام این مضمون را تکرار می‌کند که ما گوش ندادیم. بگذارید به شما بگویم چه کسی گوش نداد.

بگذارید به شما بگویم که چطور ما گوش ندادیم. او بارها و بارها این را تکرار می‌کند. اما قبل از اینکه این را بگویم، بگذارید به شما بگویم که این دعا در واقع شبیه چند دعای دیگر در عهد عتیق است.

خب، برمی‌گردم به بحث گوش دادن. اما این دعا در دانیال ۹ شباهت‌های زیادی به دعایی در نحما ۹ و فکر می‌کنم عزرا ۹ دارد. فکر می‌کنم هر سه نه تا هستند. و هر دو بعد از تبعید هستند.

و این یکی در آستانه بازگشت از تبعید است. و همه آنها دعاهای اعترافی بزرگی هستند. اعتراف، توبه

برخی از محققان آنها را دعا‌های توبه نامیده‌اند. آنها ویژگی‌های مشترک زیادی دارند. بنابراین، پس از خواندن دانیال ۹، به خواندن این دو مورد دیگر بروید و چیزهای زیادی از همان زبان خواهید شنید.

این به زبان تثنیه برمی‌گردد، جایی که عهد و پیمان‌ها برقرار می‌شوند و مردم به اطاعت، گوش دادن، گوش دادن، گوش دادن فراخوانده می‌شوند. و اگر گوش ندهید، این فاجعه اتفاق خواهد افتاد. شباهت‌های زیادی بین این نوع دعاها وجود دارد.

خب، این به نکته‌ی فرعی کوچیک بود. خیلی خب، اعتراف. ما گوش ندادیم.

او با گفتن اینکه به چه کسی دعا می‌کند شروع می‌کند، و مشخص می‌کند که به چه کسی دعا می‌کند. پروردگارا، خدای بزرگ و مهیب. حالا، کلمه مهیب در انگلیسی واقعاً رقیق شده است.

برای صحبت در مورد صبحانه استفاده می‌کنیم، البته اگر صبحانه خوب بوده باشد awesome ما از کلمه برای توصیف غروب آفتاب استفاده می‌کنیم. تفاوت بزرگ بین صبحانه و غروب awesome ما از کلمه کوه‌ها را توصیف می‌کند، اما می‌توانید به نهار برسید، این عالی است awesome آفتاب چیست؟ کلمه

رقیق شده است. فقط به معنی هوراااا است. در کتاب مقدس، کلمه "عالی" به معنی وحشتناک و ترسناک است. این یک موجود متفاوت است.

خدا فوق‌العاده است. ما باید سرشار از حیرت باشیم. حتی کمی هم از اینکه خدا کیست، بترسیم.

بنابراین، دانیال با دعا به درگاه این خدای شگفت‌انگیز شروع می‌کند. من آنچه گلدینگی در مورد این آغاز می‌گویم را دوست دارم. او می‌گوید شجاعت در شروع با شناخت جنبه باشکوه خدا نهفته است.

آن جنبه باشکوه، تهدیدی برای کسانی است که از او اطاعت نمی‌کنند، چه بیگانگان و چه اسرائیلیان. و دقیقاً همین شکست است که دانیال به آن اذعان خواهد کرد. بنابراین دانیال در برابر این خدای شگفت‌انگیز حاضر می‌شود، در حالی که می‌داند او چه خواهد گفت.

و او به کسی دعا می‌کند که به عهد و پیمان خود پایبند است و به کسانی که او را دوست دارند و احکامش را رعایت می‌کنند، مهربانی می‌کند، که دقیقاً قوم خدا نیستند. آنها کسانی نیستند که او را دوست دارند و احکامش را رعایت می‌کنند، احکامی که تقریباً یکسان هستند.

شما با نگه داشتن احکام خدا، او را دوست دارید. بنابراین، خدا با کسانی که او را دوست دارند و احکامش را نگاه می‌دارند، عهد و پیمان خود را حفظ می‌کند، اما ما آن افراد نیستیم. ما این کار را نمی‌کنیم.

بنابراین، ما واقعاً به رحمت نیاز داریم. سپس او مشخص می‌کند، بنابراین گفت که به چه کسی دعا می‌کند. این خدای بزرگ و عالی. و سپس مشخص می‌کند که برای چه کسی دعا می‌کند.

و این قوم اوست. کسانی که ما گناه کرده‌ایم، و اشتباه کرده‌ایم، شرارت کرده‌ایم، سرکشی کرده‌ایم. مثل چهار کلمه کوتاه با هم است.

این کاری است که ما انجام داده‌ایم. در زبان عبری، چهار کلمه کوتاه است. ما گناه کرده‌ایم، ما اشتباه کرده‌ایم، ما شرارت کرده‌ایم، ما عصیان کرده‌ایم.

می‌توانید همه این کلمات را تجزیه کنید و تفاوت‌های جزئی آنها را شرح دهید. گناه، کار بد، کار بد، سرکشی. همه آنها ممکن است به بخش کوچکی از گناه اشاره کنند، اما تأثیر جمعی آنها این است که ما هر کار اشتباهی را انجام داده‌ایم.

هر کار اشتباهی که ممکن بوده انجام داده‌ایم. این یک اشتباه فراگیر است. ما به هر طریق ممکن گناه کرده‌ایم.

ما سرکشی کرده‌ایم. ما از فرامین و احکام تو روی گردانده‌ایم. حال، او دعای خود را از کجا شروع کرد؟ دعا به سوی کسی که به عهد خود پایبند است، به سوی کسانی که فرامین او را حفظ می‌کنند. آن ما نیستیم.

ما فرامین تو را زیر پا گذاشته‌ایم. و او هنوز هم از این خدا التماس می‌کند که به حرفش گوش دهد. چرا؟ چون او شخصیت این خدا را می‌شناسد.

و این موضوع در ادامه آشکار خواهد شد. سپس، در آیات ۶ تا ۱۰، او به این تضاد گسترده بین عظمت خدا و فساد مردم می‌پردازد. و اگر همه اینها را کنار هم بگذارید، می‌توانید رابطه‌ای بین اظهارات او ببینید.

بنابراین، در آیه ۶، او می‌گوید، ما گوش ندادیم. و سپس ادامه می‌دهد. در بخش اول آیه ۷، او می‌گوید، ای خداوند، عدالت از آن توست.

و سپس، در بخش دیگر آیه ۷، می‌گوید، برای ما شرمساری آشکار است. و سپس همین را در آیه ۸ تکرار می‌کند. برای ما، شرمساری آشکار است. و سپس دوباره برمی‌گردد و می‌گوید، اما برای خداوند، خدای ما شفقت و رحمت است.

اوه، وای. سپس، او این بخش را در آیه ۱۰ با گفتن دوباره اینکه ما گوش ندادیم، به پایان می‌رساند. بنابراین، اگر همه چیز را بررسی کنید، می‌توانید برخی از اشتراکات را در اینجا ببینید.

او با این جمله شروع می‌کند که ما گوش ندادیم. او این بخش را با این جمله به پایان می‌رساند که ما گوش ندادیم. عدالت از آن شماست.

شفقت و بخشش برای خداوند است. این دو به نوعی به هم مرتبط هستند. و سپس دو بار می‌گوید، برای ما شرمساری آشکار است.

برای ما شرمساری آشکار است. بنابراین، اگر مایل باشید، ممکن است اینجا یک تقاطع کوچک ببینید. الف. این نقطه مقابل است.

ب، این هم نقطه مقابلش. ج. و در قلبش چی هست؟ این یه شرمساری آشکاره. ما همینیم که هستیم.

ما همه کارهایمان اشتباه بوده است. تنها چیزی که می‌توانیم ادعا کنیم شرم است. کلمه «گوش کن» هفت «بار در کل این دعا آمده است، آن کلمه «شما

و این بازی با کلمات است، همانطور که قبلاً توضیح دادم. بنابراین، او می‌گوید، ما گوش ندادیم. او این را با این جمله شروع می‌کند که، ما به چه کسی گوش ندادیم؟ ما به بندگان تو، انبیا، که به نام تو سخن گفتند گوش ندادیم.

سپس می‌گوید، ای خداوند، عدالت از آن توست. اما او بر آن تمرکز نمی‌کند. او بر شرمساری اسرائیل تمرکز می‌کند.

برای ما شرم آشکار است. شرم چهره، شکلی است که گاهی اوقات به خود می‌گیرد. یعنی یک شرم عمومی است.

این شرمساری است که همه می‌توانند ببینند. و همه آن را دارند. همه در میان مردم شما این شرمساری آشکار را دارند.

و او جزئیات آنها را شرح می‌دهد. مردان یهودا، ساکنان یهودا، تک تک اسرائیلی‌ها، دور و نزدیک، در تبعید زندگی می‌کنند، جایی که شما آنها را پراکنده کردید زیرا ما بسیار بی‌وفا بودیم. مهم نیست.

همه ما گناهکاریم. هر بنی اسرائیلی، در هر کجا، شرم گناه خود را به دوش کشید. سپس او در آیه ۸ جمله دوم را در مورد شرم مردم بیان می‌کند. شرم آشکار از آن ماست.

این بار، او بر پادشاهان تمرکز می‌کند. بر پادشاهان ما، بر شاهزادگان ما، بر اجداد ما. همه، از مردم عادی گرفته تا پادشاه.

همه این شرم را به دوش می‌کشند. سپس او به جمله‌ای در مورد ذات یهوه، ذات خدا، برمی‌گردد. شفقت از آن خداوند است.

، او می‌گوید، خداوند، خدای ما، دلسوز و بخشنده است، حتی اگر ما علیه او شورش کرده باشیم. بنابراین دانیال در اینجا کمی زمینه را برای مسیری که در پیش دارد، فراهم می‌کند. اساس اینکه او چگونه می‌تواند این را بپرسد این است که او می‌داند یهوه با اسرائیل سابقه دارد.

او می‌داند که یهوه در گذشته اسرائیل را بخشیده است. و بنابراین، امیدوار است که یهوه اسرائیل را ببخشد. زیرا آنها با او سابقه دارند. آنها قبلاً این شفقت و بخشش را تجربه کرده‌اند.

آنها می‌دانند که او این توانایی را دارد. آنها می‌دانند که او می‌تواند اینگونه باشد. درخواست نهایی دانیال برای بخشش و احیاء، بر اساس شخصیت یهوه خواهد بود.

نه در مورد هیچ چیز خوبی در مورد مردم. بنابراین، سپس او آن بخش را با گفتن اینکه ما گوش ندادیم به پایان می‌رساند. و این بار، او فقط همین را می‌گوید.

او می‌گوید ما به صدای یهوه گوش ندادیم. در قسمت اول گفت، ما به صدای انبیا گوش ندادیم. انبیا صدای یهوه را می‌گویند.

اما در این بخش پایانی، ما صدای یهوه را نشنیدیم. ما فقط از تو اطاعت نکردیم. این بخش اول است.

سپس او به بخشی می‌رود که در آن درباره تحقق یافتن نفرین صحبت می‌کند. چون ما گوش ندادیم، خدا این نفرین را علیه ما محقق کرده است. باز هم، فکر می‌کنم می‌توانید تکرار زیادی را در زبان ببینید که به انسجام دعا کمک می‌کند.

حداقل کمک می‌کند که در ذهنم منسجم بماند. خب، در این بخش، ما گوش ندادیم. و این اعتراف است.

و اینجا، در آیات ۱۱ تا ۱۳، او بر این تمرکز خواهد کرد که چون ما گوش ندادیم، لعنت محقق شده است. لعنت علیه ما محقق شده است. بنابراین او ابتدا درباره گناه اسرائیل صحبت خواهد کرد.

آنها روی برگرداندند و احتمالاً حدس زده‌اید، آنها گوش ندادند. این در آیه ۱۱ است. بخش اول از آیه ۱۱

همچنین، آیه ۱۱ شامل عبارتی درباره لعنت است. لعنت بر ما نازل شده است. لعنت نوشته شده در تورات. موسی نازل شد.

و سپس، در آیه ۱۲، او می‌گوید، یهوه، خداوند، کلام خود را علیه ما به انجام رساند. خدا گفت که اگر گناه کنیم، ما را مجازات خواهد کرد، و ما مطمئناً این کار را کرده‌ایم. این آیه ۱۲ است.

در آیه ۱۳، او تکرار می‌کند. او این بار از کلمه نفرین استفاده نمی‌کند. او می‌گوید مصیبتی که در تورات موسی نوشته شده است بر ما نازل شده است.

و سپس او این بخش را، فکر می‌کنم در آیه ۱۳، با صحبت در مورد شکست اسرائیل به پایان می‌رساند. آنها رو برگرداندند و توجهی نکردند. آنها هیچ توجهی به قوانین خدا نکردند.

بنابراین، دوباره، ممکن است شباهت‌هایی در نحوه بیان این دعا ببینید. اسرائیل گناه کرد. آنها گوش ندادند. اسرائیل از شنیدن و اطاعت کردن قصور ورزید. آنها از تو روی گرداندند.

نفرینی که در تورات موسی نوشته شده بود بر ما نازل شد. مصیبتی که در تورات موسی نوشته شده بود بر ما نازل شد. نکته اصلی چیست؟ یهوه کلام خود را محقق کرده است.

این کاری است که او گفته بود انجام خواهد داد. ما عهد را شکستیم، یهوه دقیقاً همان کاری را که گفته بود انجام خواهد داد، انجام داد. دانیال به روشنی می‌گوید که آنها سزاوار این بوده‌اند.

نفرین به این دلیل محقق شده است که اسرائیل همه کارهای اشتباه را انجام داده و سزاوار آن بوده است. نکته جالب در قلب این بخش که یهوه کلام خود را به انجام می‌رساند این است که او کلامی را که علیه ما و حاکمان ما گفته بود، محقق کرده است. بنابراین ما پادشاه و مردم عادی را داریم؛ هر دو گناهکارند، و همه گناهکارند.

و سپس می‌گوید که یهوه به وعده خود عمل کرد و این بلا بزرگ را بر سر ما آورد، بلا عظیمی که در زیر کتابخانه عهد، OTL تمام آسمان مانند آنچه در اورشلیم رخ داده، رخ نداده است. کارول نیوسام، که تفسیر عتیق را دارد، در سال ۲۰۱۴ منتشر شد و در مورد این بخش صحبت می‌کند. او این نکته را مطرح می‌کند که تا این لحظه در عهد عتیق، بهترین نمونه نابودی کامل برای گناه وحشتناک، سدوم و عموره بود.

سدوم و عموره، گناه سدوم، آنها سزاوار آن بودند. ببینید چگونه خدا آنها را نابود کرد زیرا آنها بسیار گناهکار بودند. در اینجا، دانیال مجازات قوم خود را در تمام آسمان‌ها بی‌نظیر توصیف می‌کند.

تقریباً انگار منظور او این بوده که سرنوشت اورشلیم، جایگزین سدوم و عموره به عنوان معیاری برای نابودی یک شهر گناهکار خواهد شد. این جمله، جمله‌ی کاملاً درستی برای نابودی اورشلیم است. اما دانیال حاضر است این کار را انجام دهد.

، او می‌داند که قومش چقدر گناهکارند. بنابراین تمام این مصیبت درست همانطور که یهوه گفته بود، رخ داد و ما هنوز روی برنگردانده‌ایم یا توجهی نکرده‌ایم. در آیه ۱۳، می‌خواهم فقط یک ثانیه به این اعتراف به شکست اسرائیل نگاه کنم.

بنابراین، دانیال می‌گوید که اسرائیل برنگشت، آنها توجه نکردند. این بسیار شبیه به نحوه شروع آن در آیه است، با این تفاوت که در اینجا او آنچه را که مردم انجام دادند توصیف می‌کند: آنها گناه کردند، آنها ۱۱ منحرف شدند، آنها گوش ندادند.

در اینجا او آنچه را که آنها انجام نداده بودند شرح می‌دهد. آنها سعی نکرده بودند یهوه را خشنود کنند، از گناهان خود رویگردان نشده بودند، به حقیقت خدا توجهی نکرده بودند. در زبان الهیات، می‌توانیم این گناهان را گناهان ناشی از ترک فعل و گناهان ناشی از ارتکاب فعل بنامیم.

و هر کاری که انجام دادند و ندادند، گناه کردند. گناه آنها همه را فرا گرفته است. هر کسی در اسرائیل، هر اسرائیلی در هر کجا، این کار را کرده است.

، همه شرمساری را به دوش می‌کشند، و دامنه گناهشان همه را در بر می‌گیرد. او این اعتراف، این بخش اول را با این جمله به پایان می‌رساند که یهوه مراقب این بلا بود و آن را بر سر مردم آورد. چرا؟ چون او، ۱۴-۴ عادل است و ما گوش ندادیم.

اساساً چیزی که او می‌گوید این است که ما سزاوارش بودیم. سپس به آیات ۱۵ و ۱۶ می‌رسیم که این پل کوتاه بین اعتراف و درخواست واقعی است. بنابراین او قصد دارد کمی مرور و پیش‌نمایش انجام دهد.

بنابراین او دوباره نام خداوند، خدای ما را به زبان می‌آورد و بر آنچه خدا در گذشته انجام داده است، به ویژه کارهای گذشته‌ی یهوه برای اسرائیل، تأکید می‌کند.

او می‌گوید، ای خداوند بزرگ، خدای ما که قوم تو را با دستی قوی از سرزمین مصر بیرون آوردی. رویداد رهایی‌بخش اصلی در تاریخ اسرائیل، خروج است. و دانیال به آن استناد می‌کند.

این رویدادی بود که زمینه‌های پیمان بین اسرائیل و خدا را فراهم کرد. وقتی به سینا رسیدند، او گفت: «من. خداوند، خدای شما هستم که شما را از مصر بیرون آوردم. بنابراین، باید اینگونه زندگی کنید».

شما قوم عهد من هستید. او خدای آنها شد و آنها قوم او شدند. بنابراین، دانیال در اینجا به یهوه یادآوری می‌کند که شما قبلاً به نمایندگی از قوم خود عمل کرده‌اید.

ما به شما نیاز داریم که دوباره این کار را انجام دهید. و او در آیه ۱۵ اعتراف مختصر یا کوتاهی می‌کند: ای خداوند، به خاطر تمام عدالت خود، اجازه بده که دوباره صحبت کنم.

ما گناه کرده‌ایم. ما کارهای شریانه‌ای انجام داده‌ایم. بنابراین، در بخش عمده‌ای از اعترافاتش، او چهار روش مختلف گناه کردن آنها را بیان کرد. او فقط آن را تثبیت می‌کند.

ما گناه کرده‌ایم. ما شرارت ورزیده‌ایم. و سپس، او پیش‌نمایشی از جایی که به سمت آن می‌رود، ارائه می‌دهد. او از یهوه می‌خواهد که خشم و غضب خود را از اورشلیم برگرداند.

از آنجا که او به انجام کارهای درست شهرت دارد، یهوه نیز به انجام کارهای درست شهرت دارد. اعمال درست او همان چیزی است که دانیال این را بر آن بنا می‌کند.

اعمال صالح و شخصیت او. آبروی او در خطر است. اسرائیل هیچ آبروی ندارد.

تنها چیزی که دارند شرم است. اما آبروی یهوه در خطر است زیرا او خود را به این مردم گره زده است. بنابراین، ما از پل عبور کرده‌ایم.

به معنای گوش Shema حالا، بیایید به سراغ دعا برویم. که در واقع بخش نسبتاً کوتاهی است. اما با کلمه دادن نیز مشخص می‌شود.

اما این بار به جای اینکه بگویید ما گوش ندادیم، التماسش این است که لطفاً گوش دهید. او با کلمات بازی می‌کند. ما اطاعت نکردیم، و واقعاً نیاز داریم که شما صدای ما را بشنوید.

ما واقعاً به کمک شما نیاز داریم. و اینجا سه بخش کوتاه وجود دارد، و همه آنها به این کلام گوش می‌دهند. به دعای من، آیه ۱۷، گوش دهید.

به خاطر خداوند، روی خود را بر معبد ویران خود بتابان. دانیال از خداوند التماس می‌کند که معبد اورشلیم را به خاطر خودش بازسازی کند. پس به دعای من گوش فرا دهید.

سپس در آیه ۱۸ می‌گوید گوش دهید و ببینید. او از یهوه التماس می‌کند که گوش شما را تیز کند و چشمان شما را باز کند. این زبان رایج در عهد عتیق است.

گوش خود را تیز کن و بشنو. چشمان خود را باز کن و ببین. از دیدگاه دانیال، به نظر می‌رسد که خدا گوش خود را از او برگردانده است.

او چشمانش را بسته است. او به خدا نیاز دارد تا گوش‌ها و چشمانش را باز کند. به من، به ما توجه کن.

به ویرانه‌ها و شهر توجه کن. کدام یک؟ کدام شهر؟ شهری که نام تو بر آن نهاده شده است. بنابراین مسئله، نه مردم، بلکه آبروی یهوه و معبد اوست.

آخرین درخواست او در آیه ۱۹ آمده است. لطفاً گوش دهید. و این مجموعه‌ای از این درخواست‌های منقطع است.

پروردگارا، بشنو. پروردگارا، ببخش. پروردگارا، توجه کن و عمل کن.

معطل نکن. این حرف با اعترافات ناگهانی و بریده‌بریده‌اش در ابتدا جور درمی‌آید. ما گناه کرده‌ایم.

ما اشتباه کرده‌ایم. ما شورش کرده‌ایم. پروردگارا، گوش کن.

لطفاً اقدام کنید. لطفاً بشنوید. لطفاً ببخشید.

چرا؟ به خاطر تو. چون نام تو بر فراز شهرت و بر فراز مردمت خوانده می‌شود، همه چیز به نام یهوه و آبروی یهوه خلاصه می‌شود.

دانیال از او التماس می‌کند که برای جلال خودش عمل کند، نه به خاطر کاری که قومش انجام داده‌اند. نکته جالب دیگری که در مورد این دعا فراموش کردم بگویم این است که دانیال این دعای اعتراف را از طرف قومش انجام می‌دهد. اما او نمی‌گوید که آنها گناه کرده‌اند.

آنها این کار را کردند. آنها آن کار را کردند. منظورم این است که دانیال در کتاب دانیال یک یهودی نمونه و یک اسرائیلی نمونه است.

او هرگز به عنوان نمونه‌ای از آنچه نباید انجام داد، معرفی نشده است. با این حال، او اینجا به تمام این گناهان وحشتناک اعتراف می‌کند. او واقعاً مانند یک پیامبر عمل می‌کند.

او در کنار قومش ایستاده، از طرف آنها شفاعت می‌کند و گناه آنها را به گردن می‌گیرد. من یکی از آنها هستم. این جامعه‌ی من است.

اینجا جایی است که من به آن تعلق دارم. اینها مردم من هستند. و ما گناه کرده‌ایم.

بنابراین، او گناه قوم خود را بر عهده دارد و از یهوه التماس می‌کند که آن را به خاطر نامش احیا کند. بنابراین، در اینجا دانیال را در آستانه احیا می‌بینیم. و او در ارمیا، ۷۰ سال را می‌خواند.

سال آمده و رفته است. بابل مجازات شده است. پروردگارا، لطفاً گوش کن، هرچند ما گوش ندادیم ۷۰.

معبد خود را بازسازی کن، محراب خود را بازسازی کن. این دعای دانیال است. در سخنرانی بعدی، جبرئیل به آن دعا پاسخ خواهد داد یا پاسخی به آن خواهد آورد.

وعده بازسازی

من دکتر وندی ویدر هستم در حال تدریس در مورد کتاب دانیال. این جلسه ۱۳، دانیال فصل ۹، توبه و وعده خدا برای بازسازی است.